

آموزش

# خودکارآمدی زمینه ساز کارآفرینی

بررسی نقش مدرسه در آموزش خودکارآمدی در جهت توسعه فرهنگ کارآفرینی

سیده منصوره رحیم آبادی  
کارشناس ارشد پژوهش هنر



## چکیده

جوامع بشری برای تداوم حیات خود نیاز به نیروی کار دارند. کارآفرینی<sup>۱</sup>، کانون و مرکز ثقل کار و تلاش و پیشرفت در عصر نوین تلقی می‌شود. بدون توجه کافی، به مقوله «توسعه فرهنگ کارآفرینی» که با تغییر در روند تولید، بهره‌وری و توان افزایی فنی و صنعتی را در عرصه اقتصادی افزایش می‌دهد، نمی‌توان به شاخص‌های رشد و توسعه دست یافت. در این مسیر، باید برای توانمندی‌ها و قابلیت‌های فردی افراد در بهره‌گیری از منابع طبیعی و به‌کارگیری تکنولوژی‌های نو ارزش ویژه‌ای قائل شد، زیرا آن‌ها با به‌کارگیری روش‌های جدید در بازار، خود را برای استفاده بهینه از ابزار و دستیابی به کیفیت مطلوب کالا و خدمات آماده می‌سازند. خودکارآمدی<sup>۲</sup> از بنیة شخصیتی فرد در رویارویی با مسائل در رسیدن به اهداف و موفقیت‌ها خبر می‌دهد. انگیزه درونی موجب می‌شود که فرد به‌طور خودانگیخته در محیط تلاش کند و به باورهای کارآمدی خود دست یابد. خودکارآمدی، که ضروری‌ترین مؤلفه مؤثر در کارآفرینی است، فرایندی اکتسابی دارد و نقش مدرسه در شکل‌گیری این فرایند، اساسی است. این نهاد می‌تواند پویایی و تحرک را به ژرفای وجود افراد تحت نفوذ و وابسته به خود تزریق کند، به‌طوری که فرد و جامعه در محیطی هماهنگ، با هم تعامل داشته باشند و شکل‌گیری قالب‌های اجتماعی نوآورانه و خلاق را امکان‌پذیر سازند.

رشد و پرورش خودکارآمدی در راه‌اندازی کسب و کار اقتصادی و توسعه فعالیت‌های شغلی در جامعه نقش بسیار مؤثری خواهد داشت. چنین رویکردی می‌تواند ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، مصرف‌زدگی، قاچاق کالا و... را از میان بردارد و جامعه را تدریجاً به سمت تعالی سوق دهد.

**کلیدواژه‌ها:** کارآفرینی، خودکارآمدی، انگیزه پیشرفت<sup>۳</sup>، آموزش.

## کارآفرینی مقوله‌ای است که در شرایط خطر خیز و پر ابهام، از طریق کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از منابع پدید می‌آید

### مقدمه

جوامع بشری برای تداوم حیات خود نیاز به نیروی کار دارند. حتی در زندگی انسان‌های اولیه نیز انجام کار ضروری بوده است. امروزه کار، بخش عمده‌ای از وقت شبانه‌روزی افراد را به خود اختصاص می‌دهد. در فرهنگ غنی اسلام کار از مصادیق بارز ایمان محسوب می‌شود.

بیش از چهارصد آیه از آیات قرآن کریم و قریب هزار روایت مستند از ائمه معصومین (ع) در تأکید به کار و ضرورت حرکت، تلاش، کوشش و دوری از تبلی و تکاسل اختصاص یافته است (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۴).

کار می‌تواند به معنی انجام وظایفی تعریف شود که متضمن

صرف کوشش‌های فکری و جسمی است و هدف آن تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می‌سازد. شغل یا پیشه‌کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می‌شود. کار در همه فرهنگ‌ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است و شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سرو کار دارند (گیدنز، ۱۳۷۳).

ایجاد کار یا کارآفرینی، کانون و مرکز ثقل کار و تلاش و پیشرفت در عصر مدرنیته تلقی می‌شود. بدون توجه کافی به مقوله «توسعه فرهنگ کارآفرینی» نمی‌توان به شاخص‌های رشد و توسعه دست یافت.

کارآفرینی مقوله‌ای است که در شرایط خطر خیز و پر ابهام، از طریق کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از منابع پدید می‌آید. خلق ابتکار و نوآوری‌ها و ایجاد کسب و کارهای جدید نیازمند قابلیت است که در عنصر کارآفرینی یافت می‌شود (صابر، ۱۳۸۲).

در منابع مختلف، تعاریف گوناگونی از مفهوم کارآفرینی ارائه شده است. گاهی آن را مترادف با ایجاد کسب و کار جدید می‌دانند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۲) و گاهی، تلاشی برای ایجاد ارزش از طریق شناخت فرصت‌های شغلی، مدیریت ریسک مناسب با آن فرصت‌ها (از طریق مهارت‌های مدیریتی و ارتباطی) به منظور بسیج نمودن منابع انسانی، مالی و جسمی. چنین تلاشی برای به ثمر رسیدن و تحقق پروژه‌ها لازم است.

اگرچه مفهوم کارآفرینی برای اولین بار توسط اقتصاددانان مطرح شد ولی با توجه به اهمیت و نقش کارآفرینی در شکل‌گیری تحولات اقتصادی در جوامع، صاحب‌نظران علوم اجتماعی نیز به بررسی ویژگی‌های فردی و اجتماعی کارآفرینان پرداختند.

در این بررسی کارآفرین فردی است که فرصت ارائه یک محصول، خدمات، روش، سیاست جدید و تفکر جدید برای یک مشکل قدیمی را می‌یابد. کارآفرین فردی است که می‌خواهد پیامد اندیشه، محصول یا خدمات خود را بر نظام مشاهده کند (صابر، ۱۳۸۲). همچنین کارآفرین کسی است که بهترین و آخرین موقعیت‌های اقتصادی و تجاری را کشف کند و روش استفاده از این فرصت‌ها را دریابد. چنین فردی معمولاً از استعداد، خلاقیت، ابتکار، سازماندهی و مدیریت در سطح بالایی برخوردار است (صابر، ۱۳۸۲).

نکته بارز تعاریف فوق، وجود صفات و ویژگی‌هایی است که فرد کارآفرین را از دیگر افراد متمایز می‌کند. خودباوری، خلاقیت، توان هدایت و رهبری و آینده‌نگری، همگی استعدادهای بالقوه‌ای هستند که در وجود همه افراد به ودیعت گذاشته شده‌اند ولیکن بروز و ظهور آن‌ها در جامعه، مستلزم وجود بستر و فضای مناسب به‌ویژه در خانواده و مدرسه است.

کارآفرینی فرایندی اکتسابی است و کارآفرین شدن، به امر بنیادی آموزش و پرورش و به اصول و روش‌هایی بستگی دارد که بذر این استعدادها را بارور نماید و مقدمات کارآفرینی و در نتیجه ارزش‌آفرینی را در کودکان و نوجوانان مهیا سازد.

خودکارآمدی در چهار بعد خود تهییجی<sup>۴</sup>، خودسنجی<sup>۵</sup>، خودتنظیمی<sup>۶</sup> و خودرهبری<sup>۷</sup> کلیدی‌ترین و ضروری‌ترین مؤلفه در امر کارآفرین شدن است و باید از مهم‌ترین برنامه‌های آموزش و پرورش کشور تلقی گردد. مدرسه با مجموعه عوامل، ساختار، مواد درسی و برنامه‌ریزی آموزشی نهادی است که بیش از یک سوم عمر و توان کودکان و نوجوانان شش تا هیجده سال، در آن جا می‌گذرد. بنابراین می‌تواند نقشی بسیار ارزنده و اثربخش ایفا کند. قدرت بینش عمیق، عملکرد مناسب، تعالی شخصیت و در نتیجه خودکارآمدی دانش‌آموزان پس از خانواده در این مکان پایه‌ریزی و تثبیت می‌شود.

### مدرسه، خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت

تصوری که فرد از خود دارد در تعیین سرنوشت وی سهم عمده‌ای دارد. کودک از سال دوم زندگی به خودآگاهی دست می‌یابد. شناخت اولیه کودک، زمانی که به اواخر دوره ابتدایی می‌رسد به صورت شبکه‌ای از احساسات و استنباطات وی از خودش، که ثابت و نسبتاً پیچیده است، درمی‌آید (بیابانگرد، ۱۳۷۶).

طرز پندار یا تصور نسبتاً دائمی هر فرد راجع به ارزشی که برای خود قائل است و رابطه این ارزش با خود واقعی او «خود» نامیده می‌شود. خودپنداره آموختنی است و همیشه قابل تغییر. احساس ارزش نسبت به خود همانند خودپنداره یک هسته مرکزی ثابت دارد که همراه با یک سلسله احساسات ارزش‌های پیرامونی، یک منظومه را تشکیل می‌دهند. هر چه ایده‌آل فرد با خویشتن نزدیک‌تر باشد عزت‌نفس فرد، بیشتر و شخصیت وی متعادل‌تر است (همان).

استیپیک<sup>۸</sup> (۱۹۸۴) معتقد است که عقاید، ارزش‌ها و هیجان‌های مرتبط با پیشرفت تحت تأثیر تغییرات رشدی قرار می‌گیرند. کودکان در اوایل کودکی کاملاً تکلیف‌محورند. آن‌ها هم‌چنین اعتقاد به توانایی نسبتاً بالای خود دارند اما در مراحل بعدی رشد، اعتقاد به توانایی خود را از طریق ارزیابی‌های خود با هم‌سالان، آموزگاران و والدینشان به دست می‌آورند (جان‌مارشال، ۱۳۸۶).

خودکارآمدی از بنیه شخصیتی فرد در رویارویی با مسائل و در رسیدن به اهداف و موفقیت او خبر می‌دهد و تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی، از جمله باور داشتن خود (اعتمادبه‌نفس)، تلاشگر بودن و تسلیم نشدن (خودتهییجی)، وارسی علل موفقیت نداشتن به هنگام ناکامی (خودسنجی)، آرایش جدید مقدمات و روش‌های اجتماعی رسیدن به هدف (خودتنظیمی) و تحت کنترل درآوردن تکانه‌ها (خود رهبری) قرار دارد. این عوامل در برخی از دانش‌آموزان

حتی بیش از توان یادگیری، موجب پیشرفت و موفقیت تحصیلی می‌شوند (بهرامی، ۱۳۸۶).

میان انگیزه پیشرفت و خودکارآمدی، رابطه تداخلی و تعاملی وجود دارد. داشتن انگیزه پیشرفت بالا موجب می‌شود که فرد برای رسیدن به هدف از حداکثر توان خود استفاده کند و در ادامه به سطح بالایی از خودکارآمدی دست یابد. هنگامی که فرد از شکست نمی‌هراسد (خودتهییجی) و برای رسیدن به هدف برنامه‌ریزی می‌کند، در تنظیم برنامه‌ها توان خود را در نظر می‌گیرد (خودسنجی) و با توجه به مقدمات تنظیم شده قبلی به موفقیت خود امیدوار می‌شود (خودباوری) و در نهایت، برای رسیدن به هدف نهاده شده، خود را رهبری می‌کند. چنین فردی همواره از انگیزه پیشرفت بالایی برخوردار خواهد بود.

از طرف دیگر، اعتقاد بر این است که باورهای خودکارآمدی در رشد انگیزش درونی نقش مهمی دارد. این نیروی درونی زمانی رشد می‌کند که در فرد تمایل به دست‌یابی به این معیارها ایجاد شود و در صورت کسب نتیجه، فرد به خودسنجی مثبت دست پیدا می‌کند. این علاقه درونی موجب می‌شود فرد در دراز مدت و بدون حضور پاداش‌های محیطی تلاش کند (کدیور، ۱۳۸۲).

چه بسا دانش‌آموزانی که صرفاً به دلیل داشتن انگیزه موفقیت بالا یا قدرت مدیریت و رفتار کارآمدتر از دانش‌آموزانی بوده‌اند که توان یادگیری بیش‌تری داشته‌اند (هر چند انگیزه پیشرفت بالایی نداشته‌اند) و نمرات بهتری گرفته‌اند.

## خودکارآمدی در چهار بعد خود تهییجی، خودسنجی، خودتنظیمی و خودرهبری کلیدی‌ترین و ضروری‌ترین مؤلفه در امر کارآفرین شدن است

هم‌سویی انگیزه پیشرفت و خودکارآمدی در سطح بالا موجب می‌شود که فرد از حداکثر توان بالقوه یادگیری خود استفاده کند و عکس این موضوع منجر به آن می‌شود که فرد نتواند به توان بالقوه خود - گرچه سرشار - دست یابد و آن توان هم‌چون گنجی دست نخورده باقی می‌ماند. پس بهترین موقعیت آن است که آرزوهای فرد با توانایی‌های او هم‌ساز باشند (سیف، ۱۳۸۴).

برای اینکه فرد در بزرگسالی کارآمد شود، باید این خصوصیت را از دوران طفولیت و دانش‌آموزی یاد بگیرد. تحقق این هدف، برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده در جهت کارآمدی هرچه بیش‌تر کودکان و نوجوانان و هم‌چنین ارتقای سطح انگیزه پیشرفت آن‌ها

به همین منظور امکان پذیر است.

معلمان نیز در این مسیر به صورت الگویی مؤثر در جهت آموزش کارآمدی، ایجاد زمینه‌های رشد فرهنگی و افزایش انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان، نقش مهمی ایفا می‌کنند (سیف، ۱۳۸۶).

## معلمان می‌توانند:

۱. تجارب دانش‌آموزان را به موقعیت‌های خاص محدود نکنند؛
۲. برای طرح سؤال‌ها و اندیشه‌های غیرمعمول و بدیع ارزش قائل شوند؛
۳. برای خودآموزی و یادگیری اکتشافی فرصت‌هایی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند؛
۴. نسبت به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان بااحترام برخورد کنند؛
۵. رفتارهای خلاق را برای کودکان سرمشق قرار دهند؛
۶. از روش‌ها و فنون ویژه بالا بردن سطح آفرینندگی استفاده کنند (سیف، ۱۳۸۶).

همچنین روان‌شناسان تربیتی معتقدند که کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان نیز در رشد این دو مؤلفه شخصیتی تأثیر به‌سزایی دارند. چرا که کارآمدی یک توانایی زایشی است و پنج مؤلفه خودباوری (اعتقاد به نفس حل مسئله، تفکر مثبت و خودپنداره)، خودتنظیمی (خویشتن‌داری، نظم‌بخشیدن به افکار و رفتار خود برای رسیدن به هدف مورد نظر)، خودسنجی (خودارزش‌یابی) خود رهبری (مثبت‌گرایی، کنترل رفتارهای خود به منظور رسیدن گام‌به‌گام هدف مورد نظر) و خود تهییجی (ایجاد انگیزه در خود، مبارزه با شکست) را شامل می‌شود (بهرامی، ۱۳۸۶).

از آنجا که اعتماد به خود و توانایی حل مسئله دو فاکتور زمینه‌ساز برای مؤلفه‌های خودکارآمدی هستند، ممکن است آن دو، طی مراحل رشد، دست خوش تغییرات فراوان شوند. کسانی که اعتماد به نفس بیشتری دارند و به موجب آن از احساس خودکارآمدی بالایی برخوردارند، بر موانع و مشکلات موجود بهتر غلبه می‌کنند (بندورا، ۱۹۸۶).

بنابراین آموزش و محیط پرورشی کودک در نحوه رشد و تغییرات در این دو فاکتور، سهم بسزایی دارند.

## نتیجه

توجه خانواده‌ها و به‌ویژه مسئولان آموزشی به تدارک برنامه‌هایی متناسب با مقتضیات شناختی و روانی کودکان و نوجوانان می‌تواند عامل مهمی در جهت افزایش خودکارآمدی آن‌ها باشد. کیفیت

کارآمدی در مراحل گوناگون رشد و تکامل، مختلف است. بنابراین آشنایی با مبانی روان‌شناسی تحولی، در حیطه خودکارآمدی، برای اولیا و مسئولان آموزش و پرورش امری ضروری است و پیش‌بینی آن از اصول بنیادین در برنامه‌ریزی‌های آموزشی به شمار می‌رود. خودکارآمدی به مثابه مؤلفه اصلی موفقیت در کارآفرینی و رهایی از وابستگی فرهنگی و اقتصادی به اجانب، ضامن ارتقا و تعالی ارزش‌های درونی فرد و کسب موفقیت‌های اجتماعی در جامعه است.

تداوم و تقویت حیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور مستلزم ایجاد و افزایش خودکارآمدی نسل آینده این مرز و بوم است. به این امید که کارگزاران فرهنگی و متولیان آموزش و پرورش، به ویژه فرهنگیان فرهیخته، در دستیابی به استقلال فکری و رهایی از وابستگی درونی قشر عظیم دانش‌آموزان بیش از پیش دقت نظر و حسن عمل نشان دهند و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خویش را دریابند.

پی‌نوشت

1. Enterpreneurship
2. self \_ efficacy
3. Achievement motivation
4. self \_ stimulation
5. self \_ evaluate
6. self \_ regulatory
7. self \_ monitoring
8. stipeck
9. Bandura

منابع

۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، روان‌شناسی پرورشی (ویرایش ششم)، تهران، دوران
۲. کدیور، پروین (۱۳۷۹)، روان‌شناسی تربیتی، تهران، سمت
۳. جان مارشال، ریو (۱۳۸۶)، انگیزش و هیجان (ویراست چهارم) ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ویرایش (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۵)
۴. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۶)، روش‌های افزایش عزت‌نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان
۵. صابر، فیروزه (۱۳۸۲)، راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
۷. موسوی اصفهانی، سیدجمال‌الدین (۱۳۷۴)، پیام‌های اقتصادی تهران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۸. بهرامی، هادی و عباسیان‌فرد، مهرنوش (۱۳۸۹)، خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت فصل‌نامه آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی، دوره ششم، شماره ۱، ۷-۳.
9. Bandura, A. (1986). perceived self - efficacy in cognitive development and functioning.
10. stipek, DJ. (1984). Young children expectation: logical analysis or wishful thinking?